After All

بالا خره

You think in a different way when

you go outside.

زمانى كه از خانه ميروى بيرون بنا به دلایلی تفكرت عوض ميشود

 It doesn’t make any difference if you’re in the city or far up in the hills.

هیچ فرقی نمی کنه

اگر در شهر هستى

یا ان دُور ها بالاى تپه ها

It doesn’t matter if there is time or not

or if it’s spring or fall

or what you’ve had to eat

اصلاً مهم نيست كه وقتت ازاد است يا نه، بهار است يا پائيز، گرسنه هستى يا نه

When you step outside from being in

even for just a minute

you think of bigger things

like how to convince someone of what’s after they’re gone

or how to get to three hundred years from now by hitchhiking

زمانى كه بيرون هستى حتى براى يك مدت محدود، به ايده هاى بزرگتر فكر ميكنى مثل متقاعد كردن كسى به زندگى بعد از مرگ ويا اينكه چطور سفر كنى به سيصد سال اينده بدون اينكه ارابه اى داشته باشى

or no matter what kind of moon’s up there how you should strive to become

more and more like butter.

برايت مهم نيست كه اون بالا مهتاب هست يا نه، ولى تلاش ميكنى كه بيشتر مثل كٰره خيلى ساده، مفيد، لذت بخش و قابل انعطاف باشى

Clatter

هياهو

Love me in the very same way that

the word *unbeknownst* sounds

​in midair

Yes or just like how spires climb to the very to

منو نا خود اگاه دوست داشته، مثل يك صداى نااشنا در فضا و مثل حلقه هاى مارپيچى كه تا بالاى مناره ها خود را ميپيچند

And then even beyond soap’s slip

or noon’s drift and as far as puddles can jump

Love to love me like that

و سپس بيشتر از لغزش صابون يا گذر ظهر در اسمان

و تا انجائيكه كه گودالها اگر توان بالا پريدن داشته باشند

دوست دارم اينطورى منو دوست داشته باشى

​And love me as if handshakes were grins

or as when echoes find their tunnel

Love me like those birds that love diving and corners

or just like sunlight is love

as it teases the cupboards

منو دوست داشته باش بفرض اينكه اگر دست دادنها مثل لبخندها بودند

و يا موقعيكه پژواك مسير خودشو در تاريكى پيدا ميكنه

منو دوست داشته باش مثل پرنده ها كه عاشق پرواز و ويراج دادن هستند

يا مثل عشقبازى اشعه نور افتاب با كمد ها از پشت پنجره

Love me in all those ways and more

منو مثل تمام اينها و حتى بيشتر دوست داشته باش

And with sashes open Love me now but also then

and as much as when lunch is served

with all of that back and forth and clatter

Yes love me as surely as cups that will spill

 منو دوست داشته باش الان و بعدها مثل پنجره هائى كه بروى زيبائى طبيعت باز هستند و يا

باندازه هيجان سرو كردن نهار، با تمام شلوغى هاش و سرو صداهايش

منو  دوست داشته باش باندازه پياله شرابهائى كه مطمئنأ موقع نهار سرو خواهد شد

Or then above with night’s excel

​when listening turns to dreams

Love me like the swirling din

within the word*abound*

و بعدأ، در هنگام شگفتى غافلگير كننده شب، موقعيكه سكوت به روياها تبديل ميشه

منو دوست داشته باش مثل يك يورش لذت بخش بى انتها.

Quiets Come

ارامش مياره

All is up yes all is sky

فضا خيلى وسيع و زيباست

All is wings and tops and rise

فضا مثل پرنده ايست كه همه اش بال است و بالا و بالاتر ميرود

All is up those branches hum and whistles high --

how quiets come

بالا تر از  زمزمه شاخه ها و سر و صدا ها، چقدر ارامش مياره

Or beams of clouds this world of still that flies towards yes

and shall --above what will and all

يا پرتوى از ابر كه در دنياى از سكوت حركت ميكند

بالاتر از هر اراده و خواسته اى

Where most of more calls glowing

 جايى است كه بيشترين پيام ها گرمتر هستند